



جهانی‌شدن و راهکارهای علمی در جهت حفظ هویت

ایرانی - اسلامی در افق توسعه

خانم فرنوش صدری

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر

چکیده:

جهانی‌شدن پدیده‌ای است که می‌تواند بر همه ابعاد زندگی بشر تأثیرگذار باشد. با گسترش مبادلات و انتقال کالا و خدمات در ورای مرزهای ملی و رشد و توسعه فناوری ارتباطات و اطلاعات شاهد تحولات بسیار در جامعه بشری بیش از هر زمان دیگر هستیم. جهانی‌شدن علاوه بر جنبه‌های اقتصادی، سایر جنبه‌های زندگی بشر، اعم از فرهنگی، سیاسی و اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد. مرزهای جغرافیایی نفوذناپذیر و نفوذپذیر فاصله‌ها را از میان برداشته و بدین ترتیب امکان ورود پدیده‌های مثبت و هم منفی را میسر می‌سازد. جهانی‌شدن، حقیقتی است که انکار آن عقلانی به نظر نمی‌رسد، پس بهتر است آگاهانه با آن روبرو شد و تا جایی که ممکن است، تهدیدها را به فرصت تبدیل کرد و از آن سود برد.

با توجه به نکاتی که مطرح شد، مقاله حاضر کوشیده است، با اشاره به ماهیت جهانی‌شدن و بررسی هویت ایرانی - اسلامی و آگاهی نسبت به شناسنامه ملی و بررسی مقوله دینداری،



موضوع را از این زاویه که چه القائاتی مانع پیشرفت و توسعه کشور می‌شود، و چگونه می‌توان با زدودن این افکار در مسیر توسعه پایدار گام برداشت و ضمن حفظ هویت ایرانی - اسلامی، حضوری فعال در جهان کنونی داشته باشیم را بیان کند. و به این نتیجه دست یابد که بالابردن سطح دانش عمومی و بیدار کردن نیروی خلاقه فرد فرد ایرانیان و با استفاده از فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات در جهت تقویت بنیه فرهنگی و اشاعه آن و با به کارگیری مبانی ارزشی اسلام و خصوصیات سازنده موجود در ساختار فرهنگی جامعه، بتوان تعامل و تقابل فرهنگی پویا داشته باشیم.

مقدمه

در فرآیند ساختار قدرت در جهان، در آستانه سومین هزاره میلادی، بایستی به طور جدی به بازنگری و شناخت دوباره هویت ملی خود پرداخت، تا در مقابل روند رو به رشد جهانی‌شدن و یکپارچگی‌های ساختاری بتوان پایداری فرهنگی و بقای هویتی خود را تضمین کرد.

اما نوئل ریشتر (Rishter) جهانی‌شدن را شکل‌گیری شبکه‌ای فراگیر می‌پندارد؛ شبکه‌ای که با پیدایش آن، اجتماعاتی که پیش از این در جهان، دور افتاده و منزوی بودند، در وابستگی متقابل وحدت جهانی ادغام می‌شوند.

فرآیند تحولات جهانی مرزهای جغرافیایی را نفوذپذیر و نقش آن را در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کم‌رنگ ساخته است و جریان یافتن فرهنگ‌های مختلف را تسهیل می‌نماید.



وقتی پنجره‌ها باز و درها گشوده می‌شود، هم پدیده‌های مثبت و هم پدیده‌های منفی می‌توانند از این طریق جریان یابند. در چنین شرایطی جوامع مختلف تلاش می‌کنند هویت خود را در برابر هجوم فرهنگی حفظ کنند.

با توجه به موضع‌گیری شدید بعضی از حکومت‌ها در برابر گسترش وسایل ارتباطی می‌توان اهمیت این مسأله را درک کرد. آنچه مسلم است، جهانی‌شدن تنها یک پدیده اقتصادی نیست بلکه واقعیتی است انکار ناپذیر که تمامی ابعاد زندگی بشر، اعم از فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را در بر می‌گیرد.

جهانی‌شدن واقعی در حال شکل‌گیری

جهانی‌شدن تفکر جدیدی نیست؛ پس از جنگ جهانی دوم تلاش فراوانی برای تحقق جهانی‌شدن صورت گرفت، و سرانجام در سال ۱۹۴۷ «موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارب GATT^۱» ایجاد شد. و روند تکمیلی آن طی ۸ دوره مذاکرات نسبتاً بلند مدت به منظور ایجاد نظام منسجم تجارب جهانی صورت گرفت. دوره هشتم (۱۹۹۳-۱۹۸۶) که به دوره اروگوئه معروف می‌باشد، آخرین دور گات بود و سرانجام در سال ۱۹۹۵ «سازمان تجارت جهانی WTO^۲» جانشین گات شد. سازمان تجارت جهانی سازمان اجرایی پیمان گات با وسعتی بیشتر می‌باشد. عضویت در سازمان تجارت جهانی در حکم صدور مجوز برای ورود به اقتصاد جهانی است تا اقتصاد ملی بتواند از مزایای آن بهره‌مند گردد.

1- General Agreement of Tariffs and Trade.

2- World Trade Organization.



حذف موانع گمرکی و غیرگمرکی در زمره اقدامهای مهم در پیوستن به اقتصاد جهانی است. و بیانگر این نکته می باشد، که دولت ها نباید به طرق گوناگون تولید کننده داخلی را از طریق موانع گمرکی و غیرگمرکی مورد حمایت قرار دهند.

ضوابط عضویت در سازمان تجارت جهانی، بالغ بر ۲۲۰۰ ماده است، و ۱۵۰۰ ماده از ۲۲۰۰ ماده یک جمله بیشتر نیست که با قرائت های مختلف تکرار شده است و این جمله چیزی بیش از این نیست که این نوع حمایت ها باید قطع شود. عضویت در این سازمان به معنی حذف بخش های ناکارآمد از حیات اقتصادی کشور است.

در فرآیند جهانی شدن رقابت امری اجتناب ناپذیر می باشد که باعث ارتقاء سطح بهره وری، کیفیت برتر محصولات و همچنین ارزان تر تولید کردن می شود. به هر میزان که رقابت در اقتصاد کاهش یابد از نوآوری و ابتکار و مدیریتی و زایش ذهن کاسته می شود.

رقابتی شدن اقتصاد بین الملل فرصت های تازه ای در اختیار کشورهای در حال توسعه قرار می دهد که اگر شرایط مناسب را به مرور زمان برای خود ایجاد کرده باشند می توانند از این فرصت های جدید بهره بگیرند. در واقع بایستی از این به بعد رقابت را در عرصه جهانی جستجو کرد. در عصر حاضر پرورش ذهن های خلاق، نوآور و چاره جو که توان تخصصی تولید در جامعه را داشته باشند از امتیاز ویژه ای برخوردار است. تخصص، همراه با قدرت رقابت یکی از اسرار موفقیت آمیز هر کشوری است و حکومتی موفق است که از این طریق کیفیت زندگی مردش را بالا ببرد.

با روند جهانی شدن نقش مرزهای جغرافیایی در تصمیم گیری ها و در فعالیت های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به پایین ترین سطح می رسد. و در این رهگذر، منافع تک تک مردم و



تک‌تک کشورها، بیش از پیش در منافع تمام مردم و تمام کشورهای جهان در هم تنیده خواهد شد. یعنی در دنیای جهانی شده واژه بین‌المللی جایگزین واژه ملی خواهد شد و محیط یگانه‌ای برای همه کشورهای جهان پدید می‌آید که در آن پیوندهای بین‌المللی افزایش خواهد یافت. از سوی دیگر با روند جهانی‌شدن ویژگی‌های اصلی دولت ملی رو به زوال است؛ ویژگی‌هایی که برخی نویسندگان آنها را در کارآمدی سیاستگذاری داخلی، خود مختاری، شکل حکومت و مشروعیت داخلی می‌بینند. با جهانی‌شدن اقتصاد، تصمیم‌گیری داخلی در برابر فرآیند جهانی‌شدن اقتصاد ناکارآمد می‌شود. همچنین، گسترش اختیارات سازمان‌های بین‌المللی، خودمختاری دولت‌ها را در عمل محدود می‌کند. و دیگر نمی‌توانند مانند گذشته از خودمختاری لازم برخوردار باشند. از لحاظ شکل حکومت نیز فرآیند دموکراتی‌سازی به عنوان بخشی از فرآیند جهانی‌شدن، دست کم نشانه‌های دموکراسی را در همه جا گسترش می‌دهد و حکومت‌ها دیگر نمی‌توانند به آسانی به مبانی مشروعیت دیگری جز قانون‌گرایی و اقتدار قانونی، آن هم به مفهومی منطبق با قانون‌گرایی در سطح جهان دست‌یابند.

دولت نهادی برای تولید قدرت ملت می‌باشد و به این لحاظ این دولت باید دموکراتیک باشد. قدرت از آن ملت است و دولت از سوی ملت اقتدار دارد.

یکی از واقعیت‌هایی که فراروی اقتصاد ایران قرار دارد چگونگی انطباق با پدیده جهانی‌شدن اقتصاد است. با توجه به تبعات مثبت و منفی پیوستن، لازم است که با یک برنامه‌ریزی اصولی مسیر را به گونه‌ای هموار کنیم که کمترین لطمه و بیشترین منفعت را از این پیوستن ببریم.

به نظر می‌رسد که لازمه مصون ماندن از آفات جهانی‌شدن اصلاح ساختار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می‌باشد.



به گفته استیگلتیز، برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۲۰۰۱، "موفق‌ترین کشورهای در حال توسعه، یعنی آنها که در شرق آسیا قرار دارند، اگر چه اقتصادشان را به روی خارج باز کرده‌اند، اما این کار به آرامی و مرحله‌ای انجام شده است. این کشورها از جهانی شدن استفاده کردند و صادراتشان را بالا بردند و در نتیجه به رشد پرشتاب هم دست یافتند، اما موانع تعرفه‌ای را با دقت و منظم و تنها وقتی مشاغل جدید ایجاد شدند، برداشتند. ابتدا مطمئن شدند که سرمایه برای ایجاد بنگاه‌ها و مشاغل تازه در دسترس است. چین موانع تجاری خود را اکنون پس از ۲۵ سال که حرکت به سوی بازار را شروع کرده، یعنی دوره‌ای که رشد فوق‌العاده داشته است بتدریج بر می‌دارد." در واقع کشورهای در حال توسعه پذیرفته‌اند که برای پیشرفت اقتصاد لازم است، سیاست‌های اقتصادی خود را با اصول سازمان تجارت جهانی تطبیق دهند و در صورت عدم اصلاح ساختار اقتصادی کشور، محکوم به انزوا در این عرصه می‌باشند.

جهانی شدن و هویت ایرانی-اسلامی

جنبه‌های هویت ایرانی به دو بخش قبل از اسلام و بعد از اسلام قابل تکفیک است. مردم ایران زمین با فرهنگی کهن و منحصر به فرد در جهان دارای پیوندی عمیق با گذشته تاریخی خود می‌باشند.

ایران، خاستگاه یکی از قدیم‌ترین تمدن‌های بشری، سرزمینی با موقعیت جغرافیایی ممتاز و برخوردار از ذخایر ارزشمند است. سابقه سکونت بشر در این سرزمین به حدود دوازده هزار سال پیش می‌رسد و عمر تمدن در آن بیش از هفت هزار سال می‌باشد و نزدیک به سه هزار سال نیز از سابقه مدیریت سازمانی برخوردار بوده است.



تاریخ گواهی می‌دهد که در هزاره شروع سلسله هخامنشیان تا اضمحلال و سرنگونی ساسانیان ایران دارای اقتدار فراموش نشدنی بوده است.

با ظهور اسلام چون ایرانیان ندای رهایی بخشی آن را شنیدند، ایمان آوردند و از آنجا که این ملت بزرگ و آرمان خواه در طول تاریخ، همیشه در پس آرمان عدالت خواهی و حق طلبی بوده و نمود آن را در مذهب تشیع می‌دیدند و همچنین رویارویی با فشارهای اجتماعی از سوی حکومت عباسیان و وجود اختلاف‌ها و تبعیض‌های بین عرب و عجم که در این دوران رو به گسترش داشت، سبب شد تا مردم در انتخاب خود راسخ‌تر شوند و مذهب تشیع را انتخاب کنند.

مردم ایران زمین هویت خود را از یک طرف با انتخاب آزاد و داوطلبانه اسلام و از طرف دیگر با حفظ میراث فرهنگی خود و تلفیق این دو به گونه‌ای که این میراث فرهنگی در چارچوب اصول و اعتقادات اسلامی پابرجا بماند شکل دارند به گونه‌ای که هویت ملی ایرانی تحت تأثیر دو منشأ ایرانی و اسلامی قرار گرفت و یک هویت ایرانی - اسلامی را شکل داد.

ایرانیان در سده های اول آشنایی با اسلام، تعامل و پذیرش فرهنگ و دانش یونانی را با تمدن اسلامی متناسب و هماهنگ یافتند؛ که این موضوع نشأت گرفته از اطلاعات و باورهای بومی آنها بود. در رویارویی با تمدن غربی از یک طرف به علت تسلط حکومت‌های مستبد و خودکامه و ادامه وضع موجود با حفظ آداب و رسوم گذشته و از طرف دیگر به علت عدم نقش مردم در اداره امور و عدم آگاهی آنها از جهان پیرامون خود، نتوانستند با همان شیوه و کارایی قبلی عمل نمایند. به هر حال آشنایی با تمدن غرب، گرچه نه به ریشه‌داری و نه به گستردگی دو منشأ اصلی بود، اما باعث شد تا هدیت ملی ایرانیان تحت تأثیر سه منشأ ایرانی، اسلامی و تجدد قرار گیرد.



به گواهی تاریخ این سرزمین علی‌رغم اینکه دارای اقوام و فرهنگ‌های متفاوت بوده و هر یک نیز دارای هویت مستقل می‌باشند؛ لکن در درون، هویت ملی یکپارچه‌ای را شکل داده‌اند که این امر را می‌توان یکی از ویژگی‌های جامعه ایرانی محسوب کرد. همین ویژگی توانسته است این ملت را در سخت‌ترین شرایط با وجود بحران‌های مالی شدید، بی‌کفایتی، ناتوانی و فساد حکومت‌های دیکتاتور و دخالت‌های مداوم و گسترده بیگانگان حفظ نماید.

ایران کشوری است، برخوردار از ویژگی‌های ممتاز جغرافیایی مانند وسعت خاک، منابع طبیعی، باروری زمین، تنوع اقلیم و ... که همه و همه از خصوصیت مثبت این سرزمین می‌باشند. نکته حائز اهمیت چگونگی استفاده از این موقعیت ویژه است و آن اهرم نهایی که بایستی این منابع را به کار گیرد.

این اهرم تعیین‌کننده را باید از خودآگاهی تاریخی و ویژگی‌های مثبت فرهنگی و بهره‌مند از منشأ سوم تأثیرگذار بر هویت ملی یعنی تجدد (مدرنیسم) وام گرفت. از دستاوردهای قابل توجه تجدد یعنی توجه به علم، گرمی داشت تحقیق، تسلط بر فناوری پذیرش انضباط و انسجام و روحیه مشارکت جمعی و نظم‌پذیری و سخت‌کوشی که همه اینها نقش مؤثری بر پیشرفت جوامع توسعه یافته داشته است.

نکته دیگر این که نابرابری‌های امروز چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی لباس فرهنگی می‌پوشد. بسیاری بر اساس اصول مذهبی، قومی و فرهنگی مورد تبعیض قرار گرفته‌اند؛ و به همین دلایل نابرابری‌های اقتصادی توجیه شده است. تلاش برای فرهنگی کردن نابرابری‌ها در قالب «دهکده جهانی» صورت می‌پذیرد در حالی که کوچ‌نشینان و محرومان مجبور به زندگی



در شرایطی فلاکت بار می‌شوند. در چنین شرایطی، در سطح جهانی، جوامع گوناگون تلاش می‌کنند به واسطه مرزها و در چارچوب کشورها هویت خود را در برابر هجوم فرهنگی حفظ کنند. در این راستا تلاش بر این است که مؤلفه‌های خاص به عنوان اصلی‌ترین عناصر تشکیل دهنده هویت تعریف شود و این مجموعه به عنوان یک سنگر در برابر تهاجم فرهنگی جهانی قرار گیرد. در دنیای اسلام، همگرایی اسلامی روند اسلامی شدن به عنوان شیوه‌هایی برای تقویت مؤلفه‌های هویت اسلامی معرفی می‌شود تا جهان اسلام در برابر سلطه اقتصادی و فرهنگی غرب محفوظ بماند.

انقلاب ارتباطات و جهانی شدن

جهان وارد عصر انقلاب ارتباطات شده است. انقلاب تکنولوژیک باعث ایجاد سرعت در عملکرد تجارت و بازرگانی و همچنین ارائه خدمات می‌شود. فناوری اطلاعات و ارتباطات موجب بهبود ارتباطات و تبادل اطلاعات می‌شود و یک عامل قوی برای ایجاد رقابت به شمار می‌رود. امروزه دسترسی به اطلاعات کار مشکلی نیست. دسترسی آزاد به اطلاعات، شرط تحقق بازار آزاد و توسعه اقتصادی است و بدون اطلاعات نمی‌توان به برنامه‌ریزی و تولید اقتصادی دست زد. در دنیای امروز برای سه چیز نمی‌توان حدود قائل شد؛ اول اقتصاد، دوم اطلاعات، و سوم رسانه‌های فراملیتی، ماهواره و اینترنت که نشان می‌دهد فرهنگ‌ها نیز مرزبردار نیستند. فناوری اطلاعات و ارتباطات خصلت جهان گستری دارد و چالش‌های فرهنگی را نیز با خود به همراه می‌آورد پس نفوذپذیری مرزها را باید بپذیریم و جامعه را آماده کنیم تا ضمن تطبیق‌پذیری و تعامل فرهنگ‌ها هویت ایرانی - اسلامی خویش را نیز حفظ کند.



در جوامع دارای ساختار دموکراتیک و مردم سالار که تصمیم‌سازان و مدیران ارشد جامعه صرفاً براساس تخصص، لیاقت و شایستگی علمی در مناصب قرار می‌گیرند دیگر از تصمیم‌گیری یک یا چند نفر در رأس هرم قدرت سیاسی برای کل جامعه خبری نیست و مردم این ساختار و شیوه میمون را وام‌دار صنعتی و تخصصی بودن جامعه هستند. در واقع می‌توان گفت در جامعه‌ای که هیجده هزار تخصص ثبت شده وجود دارد و تحصیل هر یک از این تخصص‌ها مستلزم سالها مطالعه، تحقیق، پژوهش و تجربه می‌باشد دیگر از تصمیم‌گیری‌های غیرعلمی و تخصصی توسط یک یا چند نفر برای کل جامعه خبری نیست. این امر سبب دگرگونی و تحول ساختار فرهنگی جامعه شده به گونه‌ای که آحاد مردم در یک چنین جامعه‌ای حتی اگر قرن‌ها در یک ساختار غیردموکراتیک هرم‌گونه و از بالا به پایین زندگی کرده باشند، با صنعتی شدن جامعه و پیدایش فرهنگ صنعتی که اولین ایده‌اش قانونمندی است دیگر چنین سنتی را بر نمی‌تابند.

حال با توفیق کوتاه در تاریخ گذشته جوامع تحت سلطه می‌توان به علت و ریشه‌ای‌تر چنین حکومت‌ها و دول استعمارگر برای عقب ماندگی، وابستگی، فقر فرهنگی و ماندن مردن در جهل و خرافه پی‌برد.

پذیرش فرهنگ جهانی شدن و درک صحیح از این مفهوم مستلزم تحول در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. جامعه ما نیازمند تحول است و این تحول باید در فرد فرد ایرانیان برای داشتن جامعه‌ای پویا و توسعه یافته ایجاد گردد. فرهنگ سنتی به فرهنگ صنعتی مبدل گردد و سخت‌کوشی، پرکاری، استفاده بهینه از زمان، نوآوری، نظم‌پذیری، روحیه جمع‌گرایی و همه آنچه که برای این تحول لازم است خلق گردد. قبل از درخواست هر چیزی



ابتدا باید آن را شناخت و بعد بر اساس شناخت و آگاهی آن را پذیرفت. آگاهی نسبت به دوره و عصری که در آن زندگی می‌کنیم و داشتن ارتباط مناسب و معقول با دنیا و برقراری روابط دو جانبه سالم و برابر ضامن بقای یک اجتماع است. برای برقراری ارتباط نیازمند یک زبان مشترک هستیم و این زبان مشترک زبان علم و دانش است و آگاهی ثمره آن می‌باشد. با ارتقاء سطح علم و دانش، آگاهی‌های اجتماعی یک جامعه نیز ارتقاء می‌یابد. به هر میزان که در جامعه سطح علم و دانش پایین‌تر باشد، عدالت، دموکراسی و آزادی نیز جلوه کمتری دارد زیرا شناخت و آگاهی مردم کمتر است و مردم نسبت به هر چیزی چه خوب و چه بد که شناخت کمتری داشته باشند، حمایت یا مخالفت کمتری نیز دارند.

کشورهای در حال توسعه برای حفظ ارزش‌های فرهنگی خود بایستی در جهت ارتقای سطح آموزش‌های اجتماعی جامعه تلاش کند و از فناوری‌ها در جهت تقویت بنیه فرهنگی و اشاعه فرهنگ خود در جامعه استفاده کنند، باید در این حرکت جهانی با حضوری فعال تا آنجا که می‌توانیم ضرر پدیده‌های منفی را به حداقل رسانده و در نهایت از آنها پدیده‌های مثبت و مفید بسازیم.

امروزه تلویزیون و اینترنت قادرند افراد را از درون خانه و کشورشان به سرزمینی دیگر برده و با فرهنگ‌های مختلف آشنا کنند. در گذشته با سفر به اروپا و قرارگرفتن در آن فضا، در معرض تبلیغ‌های بیگانه قرار می‌گرفتند، اما امروزه این تبلیغ از درون خانه آغاز می‌شود و بدین ترتیب فرهنگ‌های بیگانه در اقصی نقاط جهان گسترش می‌یابند.

پیشرفت صنعتی غرب از یک سو، جو ظاهری آنجا از سوی دیگر و تبلیغات بیگانه در رابطه با عوامل پیشرفت و عقب‌ماندگی و طراحی مسائل مختلف و ارتباط آن با پدیده عقب‌ماندگی، تناقض‌هایی را در جامعه پدید می‌آورد.



برای دورشدن از یک برداشت ساده انگارانه بهتر است بدانیم علت پیشرفت صنعتی غرب در چه بوده است؟

آیا براساس رشد اخلاق، آزادی زن به شکل ظاهری و ... بوده است؟ آیا اینها، عوامل پیشرفت بوده‌اند؟ یا پیشرفت صنعتی با کار و کوشش همراه با برنامه‌ریزی صحیح در یک جامعه آزاد صورت گرفته است.

روند صنعتی شدن دنیای غرب

غرب مسیر صنعتی شدن را طی ۸۰۰ سال طی کرده است. انقلاب علمی و فنی در اروپا که به رنسانس شهرت یافت و در قرن ۱۶ میلادی حادث گشت یک پشتوانه ۴۰۰ ساله داشت. رنسانس ناگهانی و اتفاقی نبود در قرن ۱۲ میلادی تحولی در تفکر اروپایی شکل گرفت. این تفکر به صورت آرام در طی ۴۰۰ سال به رنسانس منجر شد. از رنسانس تا امروز نیز غرب یک مسیر ۴۰۰ ساله دوم را طی کرده است. بنابراین جامعه صنعتی امروز غرب یک پشتوانه ۸۰۰ ساله دارد. سازمان تجارت جهانی در سال ۱۹۹۶ در مراکش اعلام موجودیت کرد اما پشتوانه تئوریک و فرهنگی آن به ۸۰۰ سال قبل بر می‌گردد. در این برش ۴۰۰ ساله از قرن ۱۲ میلادی تا قرن ۱۶ که رنسانس در اروپا بسیار آرام در حال شکل‌گیری بود ایرانیان یا در خواب بودند یا در جا می‌زدند. شاید اولین برخورد جدی تمدن و فرهنگ ایران و تمدن و فرهنگ برگرفته از رنسانس در جنگ چالدران اتفاق افتاد. در این جنگ برای اولین بار ارتش ایران با سپاهی روبه‌رو می‌شود که به سلاح گرم مجهز است و حال آنکه ارتش ایران همچنان با شمشیر می‌جنگد. شاه اسماعیل



سعی کرد تمدن جدید را شکست بدهد ولی سعی نکرد تمدن جدید را اخذ نماید و ما نهایتاً در این جنگ شکست خوردیم.

مدتی بعد در دوره شاه طهماسب یک هیئت خارجی به دربار ایران می‌آید و پیشنهاد می‌کند که ارتش ایران را به سلاح گرم مجهز ساخته و تکنولوژی آن را در اختیار دولت قرار دهد. عکس‌العمل شاه این است که دستور می‌دهد به علت ناپاک بودن این هیئت خارجی، جای پای آنها در کاخ خاک برداری شود و آنها را از کاخ بیرون کنند.

در دوره‌های بعد ناصرالدین شاه امتیاز استخراج کلیه معادن ایران منهای طلا و نقره را به یک انگلیسی واگذار می‌کند. وقتی مورد اعتراض قرار می‌گیرد، در پاسخ استدلال می‌کند که هیئت خارجی فریب خورده و او معادن مهم ایران را واگذار نکرده است. پاسخ ناصرالدین شاه ساختار ذهنی او را نشان می‌دهد، شاهی که در اواخر قرن نوزدهم معادن مهم دنیا را معادن طلا و نقره می‌داند، نشان می‌دهد که تفکر صنعتی ندارد. در پایان حکومت قاجار ما در ایران ۵ دبیرستان و ۲۶ دبستان داشتیم و با این بنیه وارد قرن بیستم شدیم. مسیر صنعتی شدن را غرب در طی یک پروسه ۸۰۰ ساله طی کرده است مقدمات فوق نتیجه می‌دهد که ایران در چیزی بیش از ۷۰۰ سال از برش ۸۰۰ ساله فوق را یا در خواب بوده یا در جا می‌زده است.

جامعه‌ای زنده و پویا است که آمادگی پذیرش و افکار و اندیشه‌های خوب و جدید را داشته باشد و از آن نگریزد. تا زمانی که درک جامعه از مفهوم توسعه پائین است و تعصبانش برای حفظ سنن و افکار و عقاید پدرانش قوی باشد هیچ تغییری در این قوم ایجاد نمی‌شود.



نهر و پیرامون نهضت هند پس از استقلال از انگلیس اظهار داشت: این جهاد تازه ما بر ضد هیچ کشوری نبود، این پیکار بر ضد ضعف خودمان، بر ضد ناتوانی خودمان و بر ضد عقب ماندگی خودمان بود.

قبل از هرگونه اقدامی برای رفع عقب ماندگی ابتدا باید عوامل مؤثر در این زمینه را شناسایی کرد. اول تشخیص بیماری، بعد درمان. ارتقاء سطح آگاهی های عمومی جامعه کمک می کند تا جامعه در تشخیص عقب ماندگی فریب ارتباط های بی ربط القاء شده را نخورد و با توجه به فرهنگ ما که یک فرهنگ ایرانی-اسلامی است، بداند که با کنار گذاشتن روح اسلامی حاکم بر فرهنگ و دوری از اعتقادات مذهبی، قرار گرفتن در یک جو ظاهری اروپایی نمی تواند چاره درد باشد.

اگر اروپا و غرب به این درجه از پیشرفت و توسعه صنعتی رسیده اند، تنها شعار نداده، بلکه به طور جدی عمل نموده اند و تا امروز راه درازی پیموده و سختی های بسیاری را تحمل کرده اند.

برای تکمیل پاسخ سؤالات مطرح شده در قسمت قبل با نگاهی به کارنامه غرب در می یابیم که معنویت و ارزش های اخلاقی در آن جایگاهی ندارد.

با این تفکر که جهان دو قطب است: یکی قطب تمدن و دیگری قطب توحش، (قطب توحش را مسلمانان تشکیل می دهند) و چون قطب تمدن تحمل قطب توحش را ندارد، پس باید با زور برای آنها آزادی و دموکراسی آورد. و می بینیم که پیشرفته ترین کشورها چه جنایاتی در عراق و سایر کشورها انجام می دهند. پیشرفت صنعتی حتی عامل پیشرفت اخلاقی نشده بلکه عامل تجاوز و تعدی به کشورهای عقب مانده شده است. البته آنها به ارزش قانون، عدالت، دموکراسی و آزادی برای خود پی برده اند اما فرهنگ آنها در کشورهای دیگر فرهنگ غارت و استثمار بوده است. و این تفکر حاکی از خلأ ارزش های معنوی و اخلاقی است.



دنیای سکولار که ادعای مدرنیته دارد تلاش می کند همه چیز را سفید و سیاه ببیند : هر چه را متعلق به مدرنیسم است خوب و هر چه را متعلق به سنت است بد بداند. این تحلیل ساده انگارانه، ارائه کننده تصویری کاریکاتوری و غیر افقی از نقش مذهب، فرهنگ و سنت در جوامع است. البته عکس این موضوع نیز مصداق دارد ؛ طرف مقابل نیز نباید هر چه را متعلق به مدرنیسم و نوگرایی در دنیای معاصر است بد بداند، چرا که این موضع گیری می تواند به دشمنی و تقابل بیانجامد.

جهانی شدن و مقوله دینداری

دین نظام اعتقادی و پایه بسیاری از ارزش های اخلاقی هر جامعه ای است. باورهای دینی مردم به طور طبیعی در نظام ارزشی جامعه اثر می گذارد. دین چیزی خارج از طبیعت انسان ها نیست و خداوند می خواهد که انسان از فطرت خودش خارج نشود. به طور مثال، یک دزد می خواهد ثابت کند که من دزد نیستم، چرا که فطرتاً می داند که دزدی بد است.

قرآن کریم راجع به این مطلب که دین را خدا در نهاد بشر قرار داده این طور می فرماید :

«فاقم وجهک للدين حنیفاً فطرت الله التي فطر الناس علیها»

ای پیامبر به سمت دینی رو بیاور که سرشت الهی است در نهاد همه انسانها امروزه بیش از هر زمان دیگری بشر نیازمند رشد دین و اخلاق است؛ اما نه دین سستی و برآمده از جهل و خرافات، بلکه دینی برگرفته از کتاب الهی. پایه و ستونی که استعمار بر آن تکیه زده



تا نسل حاضر را از این دین دور و چهره دین را از پس پرده‌های زشت و کهنه ارتجاع ببینند، خرافات مذهبی است و برای رسیدن به این هدف با اصل دین مبارزه می‌کند نه با خرافات آن. شهید مطهری می‌گوید، اسلام عامل انحطاط مسلمین نیست، بلکه مسلمین بر اثر کوتاهی و انحراف از تعلیمات اسلامی دچار انحطاط شدند و این مسلمانند که مسئول عقب‌ماندگی خود می‌باشند. آن چیزهایی که از اسلام است و متروک شده و آن چیزهایی که از اسلام نیست ولی در میان مسلمین معمول است.

صحبت از عدالت، قانون، اخلاق پسندیده و ... زمانی در یک جامعه تأثیرگذار می‌شود که معنا و مصداقش وجود داشته باشد. آنچه در ذهن اثر می‌گذارد عمل است نه اندرز. تأثیر پند و اندرز کوتاه است و در صورتی که با عمل همراه نباشد تأثیر منفی می‌گذارد.

معرفی الگوهای مناسب مذهبی، ملی، علمی، تاریخی و به جامعه، نقش مهمی در این زمینه ایفا می‌کند. ایران با اکثریت شیعه الگوهای مذهبی ناب دارد، باید بر خلاف تبلیغاتی که به تخریب این الگوها پرداخته‌اند به صورت صحیح و با جزئیات بیشتر با زندگی این پیشوایان آشنا شویم.

الگوهایی که هم اهل اخلاق بودند و هم اهل مبارزه، کسانی که تحت هیچ شرایطی مبانی اخلاق را زیر پا نگذاشتند و در سخت‌ترین شرایط ایستادگی کردند اما خصوصیات اخلاقی را لگدکوب نکردند.

جامعه به خوراک فکری علمی و اعتقادی سالم نیاز دارد پس چه بهتر است که این خوراک فکری توسط اندیشمندان در داخل کشور تهیه شود. هنر می‌تواند در این خصوص نقش ارزنده‌ای ایفا کند. امروزه هنر دارای قدرت شگفت‌انگیزی است هم می‌سازد و هم تباه می‌کند، پس باید



جنبه های مثبت و سازنده هنر تقویت شود. رسانه ها و صدا و سیما می توانند به صورت منطقی و با رواج آثار خوب در بالابردن سطح فرهنگ، شعور و آگاهی عمومی و در غنای علمی جامعه و تبدیل نگرش های سنتی به نگرش علمی نقش مؤثری ایفا نمایند. تا دیگر، نتوانند، از اسلحه هنر در راه تباهی اخلاق و سقوط ارزش های انسانی استفاده کنند.

تحسین برانگیز است اگر فیلم سازان ما اقدام به ساخت فیلم ها و سریال هایی بکنند که آگاهی های عمومی را در جامعه افزایش دهد و مردم را با مسائل روز، بیشتر آشنا کند تا از طریق جذابیت های فیلم برای عموم مردم روشن شود جهانی شدن چیست و چگونه باید آن را پذیرفت. در ارتباط با بعد فکری اسلام، آشنایی با باورهای آن و قبول آنها براساس شناخت و آگاهی، نه براساس تقلید ناآگاهانه، در دنیای برون مرز ما ضروری می باشد تا از دینداری سنتی که وارث آن شده ایم به دینی براساس تفکر و آگاهی برسیم. و از تعالیم دینی خود در راه ترقی و سربلندی کشور عزیزمان استفاده کنیم. یکی از تعالیمی که بسیار بر آن تأکید شده است کسب علم است. حدیث معروفی از رسول اکرم (ص): «طلب العلم فریضه علی کل مسلم» یعنی جستجو و تحصیل علم بر هر مسلمانی واجب است. یعنی طلب و تحصیل علم در ردیف سایر واجبات دینی قرار گرفته است.

در یکی دیگر از احادیث معتبر ما وارد شده: «لو علمتم ما فی طلب العلم لطلبتموه و لو بسفک المہج و خوض اللجج».

یعنی اگر می دانستید در نتیجه طلب و تحصیل علم به چه سعادت هایی می رسید به دنبال آن می رفتید ولو به اینگونه خون شما در این راه ریخته شود و یا مستلزم این باشد که به دریاها وارد شوید و اقیانوس ها بیمایید.



جامعه برای رسیدن به رشد و کمال، در تمام شاخه های علمی به متفکرین برجسته نیاز دارد. تحولات ایجاد شده در دنیا باعث گردیده که همه کارها بر پایه علم استوار گردد و همه شئون زندگی بشر با علم وابستگی پیدا کرده است.

باید سپری بسازیم از علم و دانش تا از این طریق بتوانیم با همه عوامل انحطاطی مقابله کنیم. تا این انرژی عظیم و متراکم در بطن جامعه با تقویت روح ایمان و تکیه بر ارزش های اخلاقی به حرکت درآید. تا ضمن حفظ هویت ایرانی - اسلامی با حضوری مقتدرانه، جایگاه شایسته ای در میان کشورهای دیگر برای خود ایجاد کنیم.

نتیجه گیری :

جهانی شدن پیامد تحولات به هم پیوسته ای در حوزه های فناوری، ارتباطات و اقتصاد است که باعث ادغام بیشتر کشورها در نظام جهانی شده است و وابستگی بیشتر کشورها را در بر دارد. اقتصاد جهانی همچون حلقه های زنجیره وار می باشد که همه کشورهای جهان در این زنجیره نقش مهمی دارند و وابستگی های اقتصادی به گونه ای است که دیگر کمتر کشوری می تواند با سیاست درهای بسته پاسخگوی نیازهای روزافزون اقتصادی و اجتماعی خود باشد.

فرآیند تحولات جهانی با از میان برداشتن فاصله ها و مرزها، زندگی اجتماعی را متحول ساخته است. این امر باعث شده فرهنگ های مختلف به آسانی گسترش و جریان یابند و حاکی از ورود به عصر چالش های فرهنگی می باشد. وقتی مرزهای سرزمین نفوذ ناپذیری خود را از دست



می‌دهد راه برای ورود پدیده‌های مثبت و منفی هموار می‌گردد، هر کشوری تلاش می‌کند هویت خود را در برابر هجوم فرهنگی حفظ نماید.

جوانان ایران از یک سو تحت تأثیر فرهنگ دینی جامعه خود می‌باشند که از طرف نهادهای آموزشی و رسانه‌های دولتی تبلیغ می‌شود و از سوی دیگر متأثر از عناصر ساختی دنیای مدرن هستند و از طرف دیگر از مشکلات اقتصادی - اجتماعی در رنج می‌باشند. که این مسائل مختلف عامل بروز بعضی نگرش‌ها و رفتارهای متناقض در میان آنها شده است. حال باید به صورت علمی و منطقی به سئوال‌هایی که در اذهان این نسل سرکش، حق طلب و حقیقت‌جو ایجاد شده پاسخ گفت؛ اگر غرب به این درجه از پیشرفت رسیده، نتیجه پیشتازی این کشورها در زمینه‌هایی چون علم، فن، تکنولوژی و ... است. پس زیر پا گذاشتن فرهنگ اسلامی - ایرانی نمی‌تواند هیچ دستاورد مثبتی برای کشور به ارمغان بیاورد. برای حفظ ارزشهای فرهنگی خود بایستی در جهت ارتقای سطح آموزش‌های اجتماعی جامعه تلاش کرد و از فناوری‌ها در جهت تقویت بنیه فرهنگی و اشاعه فرهنگ خودی در جامعه استفاده کرد.

تاریخ نشان می‌دهد، ایران خاستگاه یکی از قدیمی‌ترین تمدن‌های بشری، سرزمینی با موقعیت جغرافیایی ممتاز و برخوردار از ذخایر طبیعی ارزشمند است. ایرانیان طی چندین قرن در علوم، صنایع، فلسفه، هنر و اخلاق بر همه جهانیان تفوق داشتند و دیگران از خرمن فیض آنها توشه می‌گرفتند.

با وجود این که ایران محل اسکان اقوام مختلف با فرهنگ‌های متفاوت می‌باشد و هر یک نیز دارای هویت مستقل می‌باشد. لیکن در درون هویت ملی یکپارچه‌ای را شکل داده‌اند و این یکی از ویژگی‌های ممتاز ساختار فرهنگی این جامعه می‌باشد.



در توسعه پایدار ملی توجه به مزیت‌های نسبی فرهنگی ایران، اعم از میراث غنی تاریخی، صنایع دستی با کیفیت بالا، هنرهای متنوع قوی و ملی، هنرمندان و اندیشمندان فرهنگی تراز اول جهانی از امتیازات ویژه‌ای است که توجه بسیار می‌طلبد. اعتماد به نفس و عزم راسخ برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و پایداری فرهنگی از ارکان اصلی و نهادینه در ساختار فرهنگی ایرانیان است.

جهانی‌شدن در حال شکل‌گیری است. پیامدهای خاص خودش را نیز دارد، پس باید تلاش کرد که هم بر آن تأثیر بگذاریم و هم خود را از تأثیرات منفی آن دور سازیم و ضمن حفظ هویت ملی، با کنار گذاشتن تعصبات بی‌جا، نگرش سنتی در جامعه به یک نگرش علمی تبدیل گردد و با فرهنگ جهانی منطبق شویم.

انتخاب یک مشی اقتصادی مناسب و بسط فناوری و ایجاد تحولات فکری و فرهنگی مناسب با توسعه و جهانی‌شدن منجر به حضوری مقتدرانه و توسعه‌ای پایدار در جهان کنونی خواهد شد.

پیشنهادات:

۱- با توجه به این مطلب که جهانی‌شدن اقتصاد واقعیتی است که نمی‌توان نادیده گرفتن آن را عقلانی دانست. بنابراین باید در صدد یویانمودن تفکر فرهنگی، سیاسی و اقتصادی کل جامعه در برخورد و رویارویی منطقی و علمی با آن برآمد و آگاهانه آن را پذیرفت.

۲- یکی از راه‌های پیروزی جامعه این است که در این اقیانوس پرتلاطم بر قدرت عقل، خرد و اندیشه تکیه کند. عقل و تفکر تنها راه رسیدن به تعالی است. به علت اهمیت فوق‌العاده آن،



اسلام جایگاه رفیعی برای آن قائل شده است و همیشه انسانها را به تفکر و تدبیر دعوت می‌کند. با در نظر گرفتن این نکته که زیربنای تعقل و تفکر علم و دانش است، با مجهز شدن به سلاح علم و دانش، ایجاد خلاقیت، نوآوری و توسعه علمی یک جامعه صنعتی به معنای واقعی را پی‌ریزی کنیم، جامعه‌ای قانونمند با تفکر صنعتی.

۳- رواج فرهنگ مطالعه در جامعه برای عموم مردم و با ایجاد احساس نیاز به مطالعه، کتاب نیز جزء مایحتاج روزمره هر خانواده‌ای قرار گیرد.

۴- با زدودن خرافات دینی و همه عوامل انحطاطی که به نام دین سعی در متوقف کردن جامعه کرده است و برافروختن چراغ آگاهی دینی در دل نسل حاضر به آنها کمک کرد، تا با آشنایی صحیح با مبانی فکری اسلام و قبول آنها براساس شناخت و آگاهی نه براساس تقلید ناآگاهانه، در دام دام‌گستران بیگانه گرفتار نشوند.

۵- از طریق تحقیق و تحلیل علمی و منطقی در ریشه‌های تاریخی هویت ایرانی و با استفاده از ذخایر عظیم فرهنگی جامعه‌مان و نقش مثبت اجتماعی آنان به شناخت بیشتر فرهنگ اصیل ایرانی که آمیخته با ایمان، معنویت و سرشار از عوامل زندگی ساز و قدرت بخش است کمک کنیم تا بتوانیم با تکیه بر آنها جایگاه خویش را در برابر هجوم فرهنگی غرب مشخص سازیم.

۶- برای حفظ ارزش‌های فرهنگی خود بایستی در جهت ارتقای سطح آموزش اجتماعی جامعه تلاش شود و از فناوری‌ها در جهت تقویت بنیه فرهنگی و اشاعه فرهنگ خودی در جامعه استفاده شود و با به کارگیری مبانی ارزشی اسلام و ویژگی‌های مثبت هویت ملی و خصوصیات سازنده موجود در ساختار فرهنگی جامعه، چارچوبی مستحکم برای شکل‌گیری هویت نسل آینده ایجاد کنیم.



۷- معرفی الگوهای مناسب مذهبی، علمی، ملی، تاریخ و ...، به جامعه و آشنایی صحیح با زندگی آنها.

۸- رسانه‌های عمومی از جمله صدا و سیما در ایجاد تحول فکری و بیدار کردن وجدان اجتماعی، دادن آگاهی می‌توانند نقش ارزنده‌ای ایفا نمایند. هنر همراه با قدرت علم می‌تواند تأثیری مضاعف داشته باشد و از این طریق می‌توان هم جامعه را با پدیده جهانی شدن آشنا کرد و هم عموم مردم را برای رویارویی با آن آماده کرد.



منابع :

- ۱- ادیب، محمدحسین. «ایران و سازمان تجارت جهانی، بحران اقتصاد بازار و دموکراسی در ایران»، نشر آزموده، ۱۳۸۰
- ۲- فروغی نیا، حسین. «جهانی شدن و بحران مشروعیت و مدیریت و امنیت در کشورهای در حال توسعه»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، مهر و آبان، ۱۳۸۳
- ۳- طاهری، صالح. «ماهیت جهانی شدن و فرصت‌های فراروی صنعت و معدن ایران». اطلاعات سیاسی - اقتصادی، مرداد و شهریور، ۱۳۸۳
- ۴- مبانی نظری و مستندات برنامه چهارم توسعه کشور
- ۵- قربانی شیخ‌نشین، ارسلان. «نظام جهانی؛ جهانی شدن فرهنگ»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، خرداد و تیر، ۱۳۸۲
- ۶- اندیشه‌های نهر، ترجمه محمود تفضلی.
- ۷- مطهری، مرتضی. «انسان و سرنوشت»، انتشارات صدرا، ۱۳۷۰
- ۸- مطهری، مرتضی. «ده‌گفتار»، انتشارات صدرا.